فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و چهارم. تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۰-۱۱۳ Vol 2. No 24. 2018, p 113-130
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

اخلاق حرفه ای وکالت و حقوق شهروندان

هدیه میرزایی کتک لاهیجانی[۱]. محمد فرید پرچین سفلی[۲]
۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، پیام نور تهران جنوب. ایران
۲. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. ایران

چکیده
اخلاق حرفه ای وکالت دارای بایدها و نبایدهایی است که برخی از آنها در قانون و مقررات و آیین نامه آمده است ولی اخلاق حرفه ای نانوشته در بسیاری از مشاغل همیشه بوده است و ممکن است در ادوار دچار تحول گردد همچنین اخلاق حرفه ای در عرف‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد به عنوان مثال در یک عرف، مراجعه وکیل به محل کار که به هر دلیلی عدم رعایت اخلاق حرفه ای محسوب شود ولی در عرف دیگری حسن اخلاق محسوب گردد بنابراین آنچه در این مقاله مورد توجه واقع شده است اخلاق حرفه ای امروزه ای می باشد که به بررسی شاخص‌های اخلاق حرفه ای وکلا پرداخته شده است و ارتباط اخلاق حرفه ای با حقوق شهروندی به طور مفصل بررسی شده است در واقع می‌توان گفت حق شهروندی موکلین ایجاب می‌کند که از اخلاق حرفه ای وکلا بهره مند گردند و عدم رعایت اخلاق حرفه ای از سوی وکیل موجب سلب این حقوق شهروندی موکلین خواهد شد. دو موضوع در خصوص اخلاق حرفه ای وکلا حایز اهمیت است. حق شهروندی برای موکلین و کسانی که مراجعه می‌کنند و تکلیف برای وکلا. باید توجه داشته باشیم که نباید دامنه مفهوم حق شهروندی را آنقدر توسعه داد که حقوق شهروندی وکلا در زمان انجام فعالیت وکالتی نادیده گرفته شود و این حق در ارتباط با وکلا نقض گردد چون این دو موضوع نافی حق برای وکلا نبوده و آنان نیز باید از این حق بهره مند هستند.

واژه‌های کلیدی: حق شهروندی، اخلاق حرفه ای، وکالت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

اخلاق و رفتار خوب و حرفه ای از دیرباز مورد ستایش بوده در کار و حرفه بیشتر خود را نمایان می سازد در این میان اخلاق حرفه ای شغل وکالت نیز مستثنی نیست اخلاق حرفه ای مجموعه ای از اصول و قواعدی است که بر محیط کسب و کار ناظر است و ریشه در زمینه‌های تربیتی و فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی و آموزه‌های دینی و اعتقادی صاحبان آن حرفه می باشد بنابراین در بسیاری از جوامع این اخلاق متفاوت می‌باشد و ممکن است یک اخلاق در جامعه ای ارزش و در جامعه دیگر ضد ارزش باشد و یک وکیل با انجام آن عمل در یک جامعه مورد تشویق و در جامعه دیگر مورد نکوهش قرار گیرد. اخلاق حرفه ای با حقوق شهروندی عجین شده است به طوری که رعایت اخلاق حرفه ای رابطه مستقیم با حقوق شهروندی دارد. هر چقدر اخلاق در حرفه وارد شود به همان اندازه شهروند از آثار آن برخوردار خواهد شد بنابراین اخلاق حرفه ای می‌تواند آثار مثبت و منفی را به جامعه و شهروندان منتقل نماید. در این مقاله در پی آن هستیم که بدانیم اخلاق حرفه ای وکالت چیست. آیا تعریف اخلاق حرفه ای با معیار نوعی است یا شخصی؟ رعایت اخلاق حرفه ای الزام آور است یا نه؟ چه مواردی سبب ایجاد اخلاق حرفه ای مناسب با حقوق شهروندی است رابطه حقوق شهروندی با اخلاق حرفه ای به چه صورت است آیا ضرورت رعایت حقوق شهروندی رعایت اخلاق حرفه ای است؟ در این زمینه منابعی از قبیل کتاب وکالت دکتر حسینعلی کاتبی، و کتاب وکیل دادگستری و اخلاق حرفه ای مولف بهمن کشاورز وجود دارد و کارهای تحقیقاتی دیگری نظیر اخلاق حرفه ای در وکالت به نویسندگی اشرف محمودی و اخلاق حرفه ای و ارتباط آن با حقوق شهروندی دکتر محمد جعفر ساعد و اخلاق حرفه ای وکالت و حقوق شهروندان دکتر سید حسین حسینی که به شاخص های رفتار و اخلاق حرفه ای وکلا پرداخته و آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده است در جهت یافتن پاسخ های مناسب به سوالات مطرح شده در این مقاله در دو فصل به موضوع پرداخته شده است در این مقاله به تشریح آنها خواهیم پرداخت. اخلاق حرفه ای مجموعه قواعدی است که در جهت بهبود بخشیدن و توسعه به آن حرفه مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می رسد در جهت رعایت حقوق شهروندی، رعایت کردن اخلاق حرفه ای ضروری است و وکلا بایستی برای دستیابی به حقوق شهروندی موکلین، اخلاق حرفه ای را در سر لوحه امور خود قرار دهند به نظر می رسد اخلاق و رفتار مناسب وکلا می تواند آثار مثبت برای شهروندان داشته باشد یکی از حقوق شهروندی، برخورداری از وکیل با اخلاق حرفه ای مناسب می باشد.

تعریف اخلاق حرفه ای

«ابن مسکویه» در کتاب «تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، می‌گوید: «خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

می‌توان علم اخلاق را چنین تعریف کرد: «اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه ها و آثار آن سخن می گوید» و به تعبیر دیگر، «سرچشمه های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می دهد». بعضی از غربیها نیز علم اخلاق را چنان تعریف کرده اند که از نظر نتیجه با تعریفهایی که ما می کنیم یکسان است، از جمله در کتاب «فلسفه اخلاق» از یکی از فلاسفه غرب به نام «ژکس» می‌خوانیم که می‌گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد.» در حالی که بعضی دیگر که بینش های متفاوتی دارند (مانند فولکیه) در تعریف علم اخلاق می گوید: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد، علم اخلاق است.» همچنین اخلاق عبارت از اصولی است که تأمین کننده قدرت باشد. اخلاق عبارت از اصولی است که قابل تعمیم در میان افراد باشد. کانت فیلسوف آلمانی معتقد بود که «شخص بایستی همیشه چنان رفتار کند که گوئی راه پرورش و رفتار او یک قانون کلی و تمام می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴) مبانی اخلاق حرفه ای و انتظارات اجتماعی عبارت است از:

۱. صداقت و راستگویی. ۲- انصاف و برابری ۳- امانت داری ۴- وفاداری و احساس مسؤلیت اجتماعی (بهرامی، میر طاهری، ۱۳۹۵) باید گفت که موفقیت از اخلاق حرفه ای سرچشمه می‌گیرد و اخلاق حرفه‌ای از اعتماد آفرینی ایجاد می شود اعتماد آفرینی نیز از پیش بینی رفتار ایجاد می شود و پیش بینی رفتار از مستمر بودن و قانونمند بودن رفتار سرچشمه می‌گیرد و مستمر بودن و قانونمندی از مسئولیت ناشی می‌شود و مسئولیت از قانون و باورهای فرد شکل می‌گیرد. (دوانی، ۱۳۹۳) در واقع می توان گفت این باورها و اعتقادات شخصی است که فرد را مسؤلیت پذیر و قانونمند می نماید و نتیجه قانونمند بودن فرد، این است که می توان رفتار وی را پیش بینی نمود. پیش بینی پذیری رفتار نیز منجر به اعتماد آفرینی خواهد شد و این همان اخلاق حرفه ای است که بر پایه باورها و اعتقادات فردی شکل گرفته است. اخلاق حرفه ای عبارت است از مجموعه اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی که حرفه های مختلف به هنگام ایفای نقش حرفه ای خود مکلف به رعایت آن ها می باشند در اخلاق حرفه ای امروزی داشتن هویت علم و دانش، داشتن نقشی کاربردی و ارائه صیغه ای حرفه ای و بومی و وابسته بودن به فرهنگ و وابستگی به یک نظام اخلاقی و ارائه دانش انسانی دارای زبان روشن انگیزشی همچنین ارائه روی آوردی میان رشته ای را می توان از ویژگیهای اخلاق حرفه ای دانست (بهرامی، میر طاهری، ۱۳۹۵)

مفهوم اخلاق حرفه ای

باید اذعان داشت در تعریف اخلاق حرفه ای رفتاری متداول در میان اهل یک حرفه و مدیریت رفتار و کردار آدمی هنگام انجام دادن کارهای حرفه ای مورد توجه قرار گرفته است. اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهاست که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کند در واقع، اخلاق حرفه‌ای، یکسری فرایندهای مبتنی بر فکر و جهت‌یابی دارد و یک فرایندهایی نیز برای تحقق این اندیشه‌ها. به عبارتی اخلاق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حرفه‌ای، سبک چگونه زیستن و چگونه رفتار کردن در یک تخصص و در یک محیط تخصصی اعم از فردی و سازمانی را تعیین می‌کند. اخلاق حرفه‌ای، سلسله واکنش‌ها و رفتارهای مقبول و پذیرفته شده است که بخش‌های مهمی از آن‌ها در تخصص‌های مختلف از سوی سازمان‌ها و مجامع تخصصی، صنفی و حرفه‌ای برای مطلوب بخشی به روابط اجتماعی، به صورت آیین نامه و قانون می‌آید لکن بنده معتقدم اولا همه‌ی اخلاق حرفه‌ای را نمی‌توان در قالب‌های رسمی تعریف کرد و ثانیا نمی‌توان همه‌ی ابعاد اخلاق سازمانی و یا حرفه‌ای را از اخلاق فردی، شغلی و یا کار تفکیک نمود. به طور عام، مبانی اخلاق حرفه‌ای و انتظارات اجتماعی برخاسته از آن عبارتند از: صداقت، عدالت، امانت‌داری و وفاداری و احساس مسئولیت در جریان کسب و کار. (وکیلی، ۱۳۹۱)

مفهوم شناسی اخلاق و اخلاق حرفه ای باعث می شود تا در درک دقیقتر این دو مفهوم توجه بیشتری نموده و از تسری اهداف دو حوزه متفاوت به مصادیق اجتناب شود. اخلاق مفهوم عام تر از اخلاق حرفه ای است شامل سلسله قواعدی است که در طول ادوار زندگی یک جامعه، بر حسب فطرت انسانی در اندیشه ها به وجود آمده و رعایت صور حسنه آن، علاوه بر قابل احترام بودن، در نزد اکثریت افراد اجتماع لازم شمرده می شود و عدم رعایت اخلاق، ضمانت اجرایی و مانع قانونی ندارد. اساسا" حرفه وکالت نیز، به دلیل داشتن ارتباط تنگاتنگ با کنش ها و معضلات مختلف حقوقی و اجتماعی، از امر اخلاق نه تنها به دور نبوده بلکه شئونات مختلف حرفه ای آن با این مقوله، عجین می باشد. (غضنفری، ۱۳۹۰) اخلاق حرفه ای مجموعه ای از اصول، قواعد، احکام و مضامین اخلاقی حاکم بر حوزه کسب و کار است. بی شک رونق و دوام هر کسب و کاری، در گرو تعامل صحیح صاحبان آن حرفه با مردم و کسانی است که مشتریان و یا متقاضیان خدمات آن حرفه تلقی می‌شوند. تعامل صحیح با مردم و متقاضیان نیز، تعاملی است که بر پایه رعایت مسائل اخلاقی و برگرفته از اصول و مضامین اخلاق حرفه ای باشد. (محمدی‌جوزدانی، ۱۳۹۲) در قلمرو کلان در این رویکرد می توان از اخلاق نظری و اخلاق عملی یاد کرد. اخلاق نظری با رویکردی انتقادی، درصدد شناسایی خوب و بد، درست از نادرست و حسن و قبح است و اخلاق عملی با رویکردی عرفی، به خصیصه های انسان کامل پرداخته و با مشاهده رفتار انسان ها در روند حیاتشان داوری می کند. بدیهی است که معیار این داوری، آموزه ها و معیارهایی است که اخلاق نظری بارویکردی انتقادی به اخلاق عملی ارائه می دهد؛ هرچند که اخلاق نظری نیز با مشاهده اخلاق عملی و اندیشه‌های نظری که دارد، سرانجام به مقوله اخلاق مطلوب خود نائل آمده و آن را به اخلاق عملی پیشنهاد می‌دهد. بنابراین اخلاق عملی ریشه در اخلاق یا نظری دارد و شاید بتوان گفت مکمل هم می باشد. اخلاق نظری درخواست می‌کند تا از موکل متهم به گونه ای که ممکن است دفاع شود، حتی زمانی که وکیل می‌داند این شخص مجرم بوده و متهم در آزادی به طور بالقوه گرایش به بزهکاری خواهد داشت بنابراین اخلاق حرفه ای، از اخلاق نظری سرچشمه می‌گیرد. در برخی موارد حکومت با عنایت به ارزش های شناسایی شده از سوی اخلاق، بر آن دسته از ارزش های اخلاقی که جنبه بنیادین و اساسی دارند، تأکید کرده و آنها

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

را در قالب قواعد، معرفی می‌کند و بعضا" برای نقض آنها ضمانت اجرا نیز، تعیین می‌کند مانند کارمندی که به علت برخورد غیرقانونی و عدم تکریم ارباب رجوع توبیخ می‌گردد. از این رو، در گستره اخلاق حرفه ای نیز، پاره ای از ارزش های عام هنرنمایی می‌کنند. (ساعد، ۱۳۹۰)

رابطه اخلاق حرفه ای با مفاهیم دیگر

اخلاق حرفه ای با دیگر مفاهیم ممکن است رابطه ای تنگاتنگ داشته باشد که به چند مورد از آن می‌پردازیم:

اخلاق حرفه ای و اخلاق

در دو نگاه عام و خاص اخلاق به تعریف درآمده است و در هر مورد، تعاریف گونا گونی ارائه داده اند. در مفهومی عام، اخلاق در معنای اصل اخلاقی یا نظامی از ارزش، عبارت است از اصولی از درست و خطاست که به وسیله یک شخص و گروهی اجتماعی پذیرفته می‌شود و اخلاق در معنای کد اخلاقی، نظامی از اصول حاکم بر اخلاق و رفتار قابل قبول محسوب می‌گردد. در مفهومی خاص، اخلاق در معنای فلسفه اخلاق یا علم اخلاق به مطالعه فلسفی ارزش‌ها و قواعد اخلاقی تعبیر شده است؛ اخلاق، شاخه ای از فلسفه است که پرسش هایی راجع به اخلاق عملی را مورد بررسی قرار می‌دهد، یعنی، یعنی مفاهیمی نظیر خیر در مقابل شر، اصالت در مقابل عدم اصالت، درست در مقابل خطا و مسائل عدالت، عشق، صلح و فضیلت؛ اخلاق، تصمیم گیری درباره بایدها و نبایدهاست و مردم از زمان های دیرین همواره به دنبال یافتن بهترین رهگذرها برای رفع مشکلات اجتماعی در پرتو اخلاق و به واقع تصمیم گیری های اخلاق بوده اند و سرانجام این که اخلاق، علم نسبت های موجود میان اذهان و اراده ها و اعمال انسان هاست، به همان وجه که هندسه علم نسبت های بین اجسم است. (برلین، ۱۳۸۷) به واقع، به زبانی ساده تر، اخلاق نوعی هنراست، هنر انجام رفتارهای آزاد و مبتنی بر خرد. (زاگال، ۱۳۸۶) اخلاق، صورتی از زندگی است و زندگی انسان یک کاوش پیش رونده در جهت دست یابی به بهروزی؛ تلاشی است مداوم برای حصول بهروزی از رهگذر اعمال و رفتاری آزاد؛ رفتاری آزاد از این منظر که هم اندیش با ژان پل سارتر، چون انسان محکوم به آزادی است، از این رو، بهروزی اش با آزادی اش رابطه ای ملازم می سازند که چون یکی نباشد دیگری نشاید و برعکس؛ یعنی، بهروزی آزاد- محور موجود انسانی. جان کلام بحث، ملازمه سه عنصر انسان، آزادی و بهروزی است که فلسفه از رهگذر اخلاق، خرد را به همهمه وا می دارد که تراوشی نماید و مسیر بهروزی را با توسل به آزادی برای این سوژه روشن نماید. بدین سان، «رفتار انسانی» در کنار «رفتار انسان» که گزاره نخست از «آزادی و اراده وی» سیراب می‌گردد و دیگری از «سرشت طبیعی و غیر ارادی اش» به سمت و سویی در حرکت است که آرمان غایی اش رخساره برافروزد. از این روست که اخلاق نظریه ای ناظر بر سعادت و بهروزی انسان، به واقع، ره نمودی برای رسیدن به خوشبختی است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این خوشبختی همان تحقق انسانیت اوست، یعنی رسیدن به کمال انسانی. این بهروزی بدان سان که والاترین هدف انسان است، والاترین خیر او نیز به شمار می آید. در این راستا، همه انسان ها در «میل به آن» یکسان اند، گرچه به یک اندازه در این مسیر کامیاب نمی شوند. در نتیجه، اخلاق، هنر خوشبختی است. به واقع، آموزه ای برای بهروزی و رهنمایی برای سعادت است. در اخلاق، مسأله اصلی تحقق انسانیت از راه اعمال انسانی حقیقی است. هر گاه این اعمال حد اعتدال را رها سازد و به افراط یا تفریط گرایش یابد، چهره حقیقی خود را از دست می دهد. با این حال، برای روشن شدن جای گاه اخلاق حرفه ای در گستره اخلاق، لازم می نماید تا به جلوه ای از دسته بندی های اخلاق پرداخت و از این نظرگاه، گریزی به وادی اخلاق حرفه ای زد و جای گاه آن را در قلمرو وسیع اخلاق شناسایی کرد. به موجب این نظرگاه که اخلاق را با قلمرویی کلان در نظر می گیرد، می توان از اخلاق نظری و اخلاق عملی یاد کرد. به تعبیری دیگر، «(علم) اخلاق» یا «اخلاق نظری» -نظریه اخلاقی- متمایز از «اخلاق عملی» است. می توان این تمایز را به شکل مقایسه ای با تمایز میان حقوق و فلسفه حقوق به قلم راند و هم چنین می توان تمایز مزبور را از رهگذر تمایز میان اخلاق عملی اثباتی و انتقادی آن گونه که جان آستین و هارت بیان داشته اند، به تصویر کشید. دانش واژه «اخلاق عملی» می تواند در معنای اخلاق عملی اثباتی به کار برده شود، یعنی «اخلاق عملی واقعاً پذیرفته شده و مشترک از سوی یک گروه اجتماعی معین». اخلاق مشترک، نظامی اخلاقی است که مردم خردورز و اندیشه مند، معمولاً به شکل ضمنی در زمان اتخاذ تصمیمات و داوری‌های اخلاقی به کار می‌برند. این اخلاق تنها راهنمایی برای رفتار مؤثر بر دیگران است که همه اشخاص ناطق درک می کنند و همگی می توانند موافق آن باشند. (ساعد، ۱۳۹۰)

اخلاق و اخلاق حرفه‌ای در عین حالی که اهداف و وجوه مشترکی را دارا هستند اختلافاتی را هم دارند قانونمندی و تنظیم رفتار ها در جهت تضمین روابط موزون و هماهنگ به این افراد از جمله اشتراکات آن دو می باشند با این تفاوت که اخلاق حرفه ای فراخوان افراد حرفه ای به تعهدات وظایف صنفی آنها می باشد مجموعه قواعدی است که یک نظام حرفه ای مقرر می‌کند و محدوده رفتارها را مشخص نمود و نقض آنها را با یک ضمانت اجرایی پاسخ می‌دهد اما اخلاق نظامی است که قواعد و ارزشهای ناظر بر رفتارهای ما را راهبری می‌کند و در صدد ترساندن افراد به ارزشهای فراتر از تعهدات و وظایف آنها است اخلاق هدفی دارد که جهت آن توسعه توانایی‌های انسان در اتخاذ تصمیم‌های مسئولانه است لذا اخلاق حرفه ای خود را به حقوق و قواعد آن نزدیک تر نموده است (رستمی، ۱۳۹۳)

اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی

اخلاق حرفه ای، جلوه ای از اخلاق نظری است که از رهگذر ارزش های بنیادین اخلاقی مرتبط با یک حرفه و شغل، تغذیه می گردد و متبلور می‌شود. به گونه ای که اخلاق حرفه ای با تمرکز بر یک حرفه، از میان ارزش های عام اخلاقی، پاره ای از آنها را در این حرفه به کار گرفته، درگیر کرده و با تکیه بر آنها به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اشخاص فعال در این حرفه، ضرورت رعایت ارزش های اخلاقی مربوطه را گوشزد می کند. حرفه ها و مشاغل با توجه به ماهیت و سرشتی که دارد، واجد اخلاق حرفه ای مختص به خود می باشد. اخلاق حرفه‌ای، رابطه ای مکمل و هم پوشان با حقوق شهروندی دارد. با این توضیح که اخلاق در یک مفهوم عام، از یک سو به منزله منشأ و سرچشمه پاره ای از حقوقی است که تحت عنوان حقوق شهروندی خوانده می شوند و از سوی دیگر می‌توان اخلاق حرفه ای و ضرورت رعایت آن را به مثابه یک حق شهروندی تلقی کرد. با این تعبیر، می‌توان رابطه ای مسلم و مکمل میان اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی متصور شد. (ساعد، ۱۳۹۰) حق شهروندی، تمرکز بر آن دسته از حقوق ذاتی و اکتسابی بشری دارد که یک نظام سیاسی مدیر در جامعه تکلیف دارد و با ابزارهایی که در اختیار دارد آن حق را تضمین و تحقق آنها را تأمین کند. هر شهروند در یک جامعه، به صرف این که انسان است، واجد حقوقی است که‌حکومت ناگزیر از تضمین آنهاست. افزون بر این، حقوق شهروندی دارای بعد دیگری است و آن، رابطه میان شهروندان با هم و از این منظر است که رابطه صاحبان حرف با متقاضیان خود در چارچوب حق شهروندی مطرح می گردد. بنابراین، حق شهروندی دارای دو وجه است: یک وجه آن رابطه میان شهروندان و حکومت است و وجه دیگر آن، رابطه میان شهروندان با خود (دهقان، صادقیان، حیدری و ضمیری، ۱۳۸۸) نهاد وکالت در مواردی که رعایت اخلاق حرفه ای نقض می‌شود و به واقع حق شهروندی یک موکل مورد خدشه قرار می‌گیرد، خود وارد عمل می‌شود و با توبیخ وکلا از رهگذر کیفرهای انتظامی مختص خویش، آنان را سرزنش می‌کند. در واقع در پرتو سیاست مشارکتی حاصله میان حکومت و نهاد وکالت، حکومت مداخله خود را از باب حمایت از حق شهروندی موکل در مورد رعایت اخلاق حرفه ای به نهاد وکالت وا می گذارد. با این توضیح که حکومت در هر موردی ضروری نمی داند که خود، شخصا" وارد عمل شود و به علاوه، همواره پاسخ به نقض حقوق شهروندان را از رهگذر ابزارهای جنایی و کیفری مناسب نمی بیند. ازاین روی، در چنین مواردی، اختیار ضابطه مندی آن حق و پاسخگویی را به نهاد متولی واگذار کرده تا با بهره گیری از ابزارهای واکنشی خود آن نهاد که بیشتر انتظامی و انضباطی است، به این مهم اقدام نماید. براین اساس، پاسخ گویی به نقض اخلاق حرفه ای به مثابه حقی شهروندی از سوی نهاد وکالت نه تنها حق موکل را تضمین می‌کند، از مداخله حکومت در وادی وکالت نیز جلوگیری می نماید. (ساعد، ۱۳۹۰)

اخلاق حرفه ای وکالت

رابطه اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی را در دو جلوه می‌توان بررسی کرد: یکی تکلیف وکیل بر اعمال موازین اخلاق حرفه ای و حق موکل در این راستا و دیگری، ضرورت حمایت از حق وکیل در مقابل اخلاق حرفه ای. در مورد اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی در ارتباط با موکل می‌توان اذعان داشت که رعایت اخلاق حرفه ای وکلا در ارتباط با وی به مثابه ی حقی شهروندی است که وکلا باید در همه حال،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این گزاره ها را مورد توجه قرار دهند. در نتیجه، در این قالب، موکل به عنوان یک شهروند مستحق آن است که وکیل در رابطه وکالتی خود با او، موازین اخلاق حرفه ای را رعایت نماید و از این منظر وی را به عنوان شهروندی از جامعه خود، مشمول موازین اخلاق حرفه ای وکالت نماید. با چنین اوصافی، اخلاق حرفه ای یا اصول و قواعد اخلاقی را می توان به مثابه ی سکه ای دو رو تلقی نمود که از یک سو حاوی حق و از سوی دیگر حامل تکلیف است، چندان که وجود یکی بدون دیگری معنا نخواهد داشت. حق مزبور متعلق به «موکل» بوده و آن عبارت است از ضرورت رعایت اخلاق حرفه ای وکالت نسبت به وی در مراودات و مناسبات با وکیل خویش. تکلیف مزبور نیز ناظر بر « وکیل» بوده و آن عبارت است از الزام او دایر بر رعایت موازین اخلاق حرفه ای در مواجهه با موکل خویش. در نتیجه، بدان سان که یک وکیل وظیفه دارد تا ضمن عنایت راسخ به عدالت محوری و قانون گرایی، حداکثر توان قانونی، علمی و تجربی خویش را در پرونده مطروحه مصروف دارد، یا موکل خویش را از تمامی اطلاعات پرونده و عواقب احتمالی آن آگاه سازد، موکل نیز حق دارد تا از تمام توان قانونی وکیل اش بهره برده و از تمامی اطلاعات راجع به پرونده اش آگاه شود. بنابراین، رابطه دوگانه حق- تکلیف بر مناسبات وکیل و موکل حاکم است. این رابطه یادآور دسته بندی هوفلد از مفهوم حق(سید قاری، ۱۳۸۸) و به ویژه «حق مطالبه» است که بدان سان، لازمه حق مطالبه، وجود وظیفه ای در طرف مقابل است. بر این اساس، نگارنده معتقد است که «رعایت اخلاق حرفه ای» نسبت به موکل در زمره یکی از «حق های شهروندی» هر شهروند و موکل بوده و به مثابه ی یکی از «حق های اکتسابی بشری» در چارچوب «حق های بشری» قرار دارد. از این زاویه بدان سان که اخلاق حرفه ای، از چارچوب «ارزش» درآمده و در جامه «حق» قرار گرفته است، می‌تواند واجد ضمانت اجرا در صورت نقض گردد و خاطی و ناقص آن را با توبیخ و سرزنش، کیفر داد.

باید اذعان داشت که نهاد وکالت خود جلوه ای از جامعه مدنی است که در جوامع دمکراتیک ظهور کرده و دو کار ویژه بنیادین را دنبال می‌کند. یکی مشارکت با حکومت در اداره جامعه در موارد خاص و دیگری کنترل اقتدار حکومت در مواردی که بیم آن می‌رود و با اتخاد پاره ای از سیاست‌ها، حقوق و آزادی های شهروندان به صورت مطلق یا نسبی نقض گردد. بدین سان، یکی از رسالت‌های جامعه مدنی، مشارکت با نهاد حکومت است. این مشارکت به صورت اداره و مدیریت بخشی از فعالیت‌ها در فرایند اجتماعی است و ظهور اشخاص حقوقی غیردولتی جملگی همیاری با حکومت برای اداره بهتر جامعه است. از این منظر، نهاد وکالت نیز نقشی مشارکتی ایفا کرده و سیاست مشارکتی را به نحو احسن نمایان می‌سازد. (ساعد، ۱۳۹۰) در شناسایی این حق ها، اخلاق یکی از عوامل بسیار بارز و مسلم است. اخلاق، گستره ای است که بر ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین بشری صحه می‌گذارد و حکومت نیز با عنایت به ارزش‌های شناسایی شده از سوی اخلاق، بر آن دسته از ارزش‌های اخلاقی که جنبه بنیادین و اساسی دارند، تأکید کرده و آن ها را در قالب قواعد معرفی می کند و بعضاً برای نقض آن ها ضمانت اجرا نیز تعیین می‌کند. در میان این دسته از ارزش ها، پاره ای دامنه ای عام داشته و پاره ای نیز خاص. در میان ارزش‌های عام نیز

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حسب حرفه ها و امور انسانی، برخی از این ارزش های عام قابلیت اعمال در حوزه خاص می یابند و رنگ و خاص تری به خود می‌گیرند. در نتیجه، پاره ای از ارزش های عام اخلاقی، رنگ و بویی خاص به خود گرفته و در برخی حوزه های خاص، نقش محوری به خود می‌گیرند. از این روی، در گستره اخلاق حرفه‌ای نیز پاره ای از این ارزش های عام هنرنمایی می کنند و وارد این گردونه می‌شوند، در این نظرگاه، رابطه اخلاق عام یا ارزش های عام اخلاقی و اخلاق حرفه ای روشن می‌گردد.

در مواردی که رعایت اخلاق حرفه ای نقض می شود و به واقع حق شهروندی یک موکل مورد خدشه قرار می گیرد، خود وارد عمل می شود و با توبیخ وکلا از ره گذر کیفرهای انتظامی مختص خویش خاطیان وکیل را سرزنش می کند. در واقع، در پرتو سیاست مشارکتی حاصله میان حکومت و نهاد وکالت، حکومت مداخله خود را از باب حمایت از حق شهروندی موکل در مورد رعایت اخلاق حرفه ای به نهاد وکالت وا می گذارد. با این توضیح که حکومت در هر موردی ضروری نمی داند که خود شخصاً وارد عمل شود و به علاوه، همواره پاسخ به نقض حقوق شهروندان را از زه گذر ابزارهای جنایی و کیفری مناسب نمی بیند. از این روی، در چنین مواردی، اختیار ضابطه مندی آن حق و پاسخ گویی را به نهاد متولی واگذارده تا با بهره گیری از ابزارهای واکنشی خود آن نهاد که بیش تر انتظامی و انضباطی است به این مهم اقدام نماید. (ساعد، ۱۳۹۰)

رابطه اخلاق حرفه ای وکالت و حق شهروندی را در دو جلوه می توان بررسی کرد: یکی تکلیف در ارتباط با موکل و دیگری، ضرورت حمایت از حق وکیل در مقابل اخلاق حرفه ای.

اخلاق حرفه ای وکیل در ارتباط با موکل

وکیل در ارتباط با مراجعین و موکلین خویش، از نظر حرفه ای دارای تکالیفی است که پشتیبان این تکالیف در وهله نخست، اخلاق است. در مورد اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی در ارتباط با موکل می‌توان اذعان داشت که رعایت اخلاق حرفه ای وکلا در ارتباط با وی، به مثابه حقی شهروندی است که وکلا باید در همه حال، آن را مورد توجه قرار دهند. درنتیجه، در این قالب، موکل به عنوان یک شهروند، مستحق آن است که وکیل در رابطه وکالتی خود با او، موازین اخلاق حرفه ای را رعایت نماید و از این منظر وی را به عنوان شهروندی از جامعه خود، مشمول موازین اخلاق حرفه ای وکالت نماید. با این شرح که وکیل نباید، مندرجات پرونده وکالت خود را که منتهی به صدور حکم نشده است، منتشر نموده و یا از طریق مطبوعات در ارتباط باجریان پرونده مربوطه بحث و اظهارنظر کند. حتی پس از صدور حکم قطعی نیز چنانچه، نیاز به طرح موضوع در معرض انظار عامه و افکار عمومی باشد، باید با احترام، ادب و بی‌طرفی، آن را طبع و نشر نموده و برای جلوگیری از وارد شدن لطمه به حیثیت و شئونات اشخاص از ذکر اسامی اصحاب دعوا احتراز کند. وکیل باید کلیه مسئولیت هایی را که در اثر مسامحه یا غفلت و یا اشتباهات غیرقابل گذشت و یا تقلب به صورت لطمه و خسارتی به حقوق موکلین وارد می سازد، به عهده گرفته و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آن را جبران کند. روابط بین وکیل و موکل، از جمله روابطی است که مسئولیت آن متوجه وکیل می باشد. لذا وکیل نباید دعاوی مردم را به وسیله دلال‌ها و عمال دیگر، قبول کند. وکلای دادگستری، باید با رعایت موازین قانونی و حرفه ای، به بهترین وجه از حقوق موکلین خود دفاع کنند، حتی اگر این کار با منافع آنها در تعارض باشد. وکلای دادگستری در ارتباطات خود با موکلین باید صادق باشند و ضمن ارج نهادن به اعتماد آنها، در فرآیند ارائه خدمات به گونه ای‌عمل کنند که استقلال و اصول حرفه ای وکالت مخدوش نگردد. وکلای دادگستری، باید موکلین را از ابعاد مختلف پرونده آگاه سازند، حتی اگر این کار بر خلاف میل موکلین یا منافع خود وکلا باشد. (غضنفری، ۱۳۹۰) رعایت اخلاق حرفه ای نسبت به موکل در زمره یکی از حقوق شهروندی هر شهروند و موکل بوده و به مثابه یکی از حق های اکتسابی بشری در چارچوب حق های بشری قرار دارد. ازاین زاویه، بدان سان که اخلاق حرفه ای، از چارچوب ارزش درآمده و در جامه حق قرار گرفته است، می‌تواند در صورت نقض، واجد ضمانت اجرا گردد و خاطی و ناقض آن را با توبیخ و سرزنش کیفر داد؛ توبیخ و سرزنشی که از محمل محاکم انتظامی نهاد وکالت بر وکیل بار می‌شود. (حسینی، منفردی ، ۱۳۹۳)

ضرورت حمایت از حقوق شهروندی وکیل در مقابل اخلاق حرفه ای

اگرچه در بادی امر از اخلاق حرفه ای در عرصه وکالت به مثابه مجموعه ای از ارزش های اخلاقی یاد می‌شود که رعایت آن ها از سوی وکیل ضروری می‌نماید اما از سویی دیگر و به منزله روی دیگر این سکه، می‌توان از دل مقوله، حقی برای وکیل متصور گشت که بدان سان از ره گذر آن باید در مواردی مورد حمایت قرار گیرد. به تعبیری دیگر دامنه قابلیت اعمال اخلاق حرفه ای محدود به حرفه وکیل بوده و نمی توان آن را به تمامی ابعاد زندگی وی تسری داد و از این راه، هر گونه فعل و انفعال وکیل را در چارچوب اخلاق حرفه ای توصیف و تعریف کرد. در این نگرش، اخلاق حرفه ای دارای مفهومی مضیق است. به این معنا که وصف «حرفه ای» آن را از مفهوم کلان «اخلاق» خارج ساخته و تنها بر گزاره ها و ارزش هایی نظر دارد که در حرفه وکالت و به واسطه ماهیت و سرشت وکالت موضوعیت می‌یابند. لذا، نمی شود که دامنه اخلاق حرفه ای را به هر گونه عمل وکیل تسری داد و بدان سان انتظار داشت برای نمونه در ارتباط با اخلاق حرفه ای و شأن وکیل، وکیل در یک مراسم عروسی از همان پوششی برخوردار باشد که در مراجع قضایی و به واسطه حرفه اش حاضر می شود یا در زمان مسافرت همان رفتار و پوششی را داشته باشد که در جلسه محاکمه بر تن دارد. واقعیت این است که در قبال گسترش دامنه اخلاق حرفه‌ای باید از حقوق وکلا دفاع کرد و اجازه نداد تا دامنه اخلاق حرفه ای چنان موسع تعریف گردد که زندگی وکلا را تحت شعاع قرار داده و مانع از اعمال بسیاری از حقوق آن ها از منظر حقوق شهروندی گردد. به تعبیری دیگر، اخلاق در دامنه ای عام و اخلاق حرفه ای در معنای خاص آن گرچه ابزاری مفید و زمینه ساز ایجاد بسترهای رعایت حقوق موکلین و شهروندان می گردد اما نباید این آرمان چنان توسیع گردد تا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حقوق عده ای دیگر یعنی حقوق شهروندی وکلا به باد فراموشی سپرده شود. از این روی، راه کار ایجاد و حفظ اعتدال در این میان بوده و باید چنان رفتار کرد و اتخاذ تصمیم نمود که ضمن تضمین حقوق شهروندی موکلین، حقوق شهروندی وکلا نیز تأمین گردد.

در این وضعیت، بدان سان که تأکید بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی است، این حقوق در معنای عام شامل حقوق تمامی شهروندان می گردد و شامل دو طرف یک رابطه وکالتی، یعنی وکیل و موکل یا موکلین وی می شود. در نتیجه، با تأکید بر ضرورت حقوق شهروندی، اخلاق حرفه ای تا زمانی قابلیت اعمال می باید که حقوق شهروندی رعایت گردد و نمی‌توان به بهانه رعایت اخلاق حرفه ایف حقوق شهروندی هر یک از این اصحاب نادیده گرفته شود. با این بیان، مفهوم اخلاق حرفه ای تا محدوده ای می تواند گسترش یابد که ناقص حقوق شهروندی بازیگران سناریوی وکالت نگردد. در این میان، در مورد وکیل، هم آوردی میان اخلاق حرفه ای از یک سوی و حق شهروندی از سوی دیگر مطرح می‌شود و وانگهی در مورد موکل، اخلاق حرفه ای چه بسا در جامعه حقی شهروندی ظاهر می گردد. بنابراین، باید دو مقوله را از هم تفکیک کرد، به گونه ای که وضعیت اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی را به صورت مجزا در مورد وکیل و موکل او در نظر گرفت. با این توضیح که رابطه اخلاق حرفه ای و حقوق شهروندی را از یک منظر در خصوص وکیل مطرح و وضعیت آن را روشن کرد و از سویی دیگر، رابطه اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی را در خصوص موکل یا موکلین مورد مداقه قرار داد. در وضعیت اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی در مورد وکلا می توان ابراز داشت که اخلاق حرفه ای در نقش یک تکلیف ظاهر می‌شود اما این اخلاق حرفه ای از چنان دامنه ای موسع برخوردار نیست که حقوق شهروندی موکل را به انزوا کشانده و به نوعی بهره گیری از آن ها را از سوی وکلا منتفی سازد. در این وضعیت، بدان یان که وکیل الزام دارد که اخلاق حرفه ای را در رابطه با موکلین و مراجعین خود رعایت نماید، ضرورت دارد که از وکلا در قبال اخلاق حرفه ای حمایت به عمل آید، به گونه ای که ضرورت اعمال اخلاق حرفه‌ای تا جایی پیش روی نکند که حقوق بنیادین شهروندی وکلا را نقض کند. بر این اساس، می توان چنین نتیجه گرفت که اخلاق حرفه ای در انجام حرفه وکلا ضرورتی است انکارناپذیر اما دامنه اعمال آن تا جایی است که ناقض حقوق شهروندی آن‌ها نباشد. چنین نتیجه ای در مقام عمل بیش از پیش نمایان می‌گردد و می‌شود مصادیق عدیده ای را در این زمینه به قلم راند. پوشش وکلا، به ویژه پوشش وکلای زن یکی از این مصادیق است که ضرورت اخلاق حرفه ای از یک سوی و ضرورت بهره مندی از حق بر انتخاب پوشش در تعارض هم قرار می‌گیرند. در این هم آورد، با توجه به نتیجه گیری مزبور، نتیجه چنین می شود که یک وکیل زن در مقام انجام حرفه وکالت باید در چارچوب اخلاق حرفه ای اش پوششی منطبق با این گستره داشته باشد و در خارج از این وضعیت، یک زن در جامه یک انسان و یک شهروند بوده که حق دارد پوشش خود را برگزیند. لذا، دامنه اعمال اخلاق حرفه ای منوط به زمانی می‌شود که یک وکیل زن در حین انجام فعالیت وکالتی باشد و بس. وانگهی، در مورد وکیل مرد نیز، پوشش وی تنها در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حین اشتغال به حرفه خود است و به هیچ روی، نباید دامنه اخلاق حرفه ای را چنان گسترده تعریف کرد که به موجب آن، نحوه پوشش وی در زمان مسافرت و برای نمونه در کنار دریا را ناقض اخلاق حرفه ای پنداشت و وی را توبیخ کرد. (ساعد، ۱۳۹۰)

شاخصه های اخلاق حرفه ای وکیل

به طور کلی یک وکیل خوب جهت احقاق حق و حقوق شهروندان و موفقیت خود در شغلش باید در اخلاق و رفتار خود دارای شاخص‌هایی باشد که همان اخلاق حرفه ای وکالت می‌باشد، در ذیل به آنها می‌پردازیم:

استعداد طبیعی وذاتی

از دوران کودکی هر کس به یک شغلی علاقه مند می باشد و این علاقه باعث گرایش آن فرد در ذهن خود به آن شغل می‌شود و در این راستا استعدادهای خود را مورد محک قرار می‌دهد و در درون خود استعداد خود را کشف می نماید و ممکن است شخصی به آن شغل فکر نکند ولی استعدادهای یک شغلدر وی نهفته باشد. بنابراین موفقیت در هر شغلی به استعداد وی مربوط می‌شود. اگر فرد بالغی را ببینیم که با مهارت سخنوری می نماید و سعی می‌کند با دلیل و منطق و توجیه هر چند ناقص حرف خود را به کرسی بنشاند اگر خوب تربیت اخلاقی و علمی شود وکیل خوبی خواهد شد و این یک استعداد ذاتی و طبیعی است که آن فرد دارد بنابراین یک وکیل بیش از هر چیز باید دارای استعداد ذاتی و فطری باشد و از هر جهت بر گفتار و رفتار خود مسلط بوده و نظارت دقیق بر اعمال خویش داشته باشد. داشتن استعداد سخنوری، فصاحت و بلاغت برای یک وکیل لازم و ضروری است زیرا برای آنکه فرد بتواند حرف حق خود را به کرسی بنشاند بهتر است که در گفتار خود دقیق، ساده، صدیق و با حرارت باشد و افکار و استدلال‌های خود را با وضوع کامل و به شکل پسندیده و جالب بیان کند و خوب سخن گفتن باعث خوب فهمیدن قاضی در احقاق حق خواهد بود. بنابراین وکیل باید دارای روحیه و سرشتی مبارز و مقاوم باشد و همچنین باید دارای جسارت و شجاعت و شهامت باشد و آنقدر باید دارای شهامت اخلاقی باشد که از هیچ چیز نهراسد و وظیفه ی خود را هرجند مخاطره آمیز باشد بدون تشویش و تزلزل انجام دهد. . و در راستای قانون و مقررات حرفه خود را ادامه دهد و شهامت و جسارت باید برای حق و عدالت باشد در غیر اینصورت از اخلاق حرفه ای دورتر می شود.

احترام به شان وکالت به وسیله وکیل

هر شغلی دارای شان اجتماعی است که رعایت شان آن حرفه ضروری است منظم و مرتب بودن لباس، تمیز بودن کفش ها، استفاده در حد معقول از عطر و مایعات خوشبو کننده انتظاری است که جامعه از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

وکیل دادگستری به عنوان نمونه برجسته قشر روشنفکر و تربیت شده اجتماع دارد رعایت وقار و ابهت در رفتار و گفتار و همچنین رعایت حداکثر ادب در قبال حکام دادگاه و مسئولین قضایی از شاخصه های یک وکیل بوده و از برخورد با موکل وپذیرائی از او باید نهایت دقت و ریزبینی را معمول دارد. همچنین از حضور و رورد در برخی اماکن و محافلی که در شان وکیل نیست خودداری کند.

تعهدات اخلاقی نسبت به جامعه

یکی از مهمترین تعهدات اخلاقی وکلا و مشاورین حقوقی این است که از قانون به مثابه ابزار استفاده ننماید به عبارت دیگر وکیل باید رویکردی درستکارانه نسبت به قانون داشته باشد و قواعد حقوقی و مقررات قانونی نباید وسیله ای برای نقض قانون، اضرار به دیگران یا قلب حق به ناحق باشد مقرراتی قانونی فقط باید در راه احقاق حق مورد استفاده قرار گیرد شهروندان عادی اجتماع، همگی ملزم به استفاده مشروع و قانونی از قانون و قواعد حقوقی هستند در واقع آنان به عنوان شهروندان یک اجتماع، حق ندارند از قانون سواستفاده نموده و از آن به مثابه ابزار رسیدن به اهداف غیر قانونی استفاده نمایند در مقابل وکلا و مشاورین حقوقی به مثابه نمایندگان همان شهروندان در محاکم حاضر می‌شوند در مقام نمایندگی مجاز به استفاده از واجبات و محرمات قانونی جز به طریق مشروع و برای احقاق حق نیستند و در واقع حدود نمایندگی آنان و صلاحیت ایشان در همین حد است آنها از نظر اخلاقی مجاز نیستند که از مقررات قانون در راه نقض قانون و قلب حقوق و تعهدات موکل استفاده کنند (آزمایش، ۱۳۷۸)

سعی در صلح وسازش

صلح و سازش در دعاوی تنها مقوله ای است که طرفین دعوی رضایت بر آن دارند در غیر صلح و سازش هرچند عدالت به طور کامل رعایت شود همچنان کسی که حکم به ضرر وی صادر شده است از آن حکم ناراضی خواهد بود بنابراین صلح و سازش امتیاز مهمی است که وکیل باید سعی کافی در مورد آن داشته باشد چه بسا طرف دعوا نیز او را تمجید خواهد کرد. طبق آموزه های دینی بر اساس منطق عقلی و وجدانی و اصول رفتار اجتماعی و انسانی صلح و سازش‌مورد تاکید و تشویق قرار گرفته است و از جمله افرادی که در این زمینه صلح وسازش موثر و فعال باشند وکلای دعاوی هستند زیرا طرفین دعوی جهت دریافت مشاوره و ارایه راهکار تخصصی و طرح دعوی به آنها مراجعه کنند و وکلا میتوانند زمینه صلح وسازش را از همان ابتدا فراهم نمایند. (کشاورز، ۱۳۸۰)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اطلاعات عمومی و حقوقی

استعداد قریحی و ذاتی یک وکیل و دادگستری باید به وسیله اطلاعات عمومی وسیع و مطالعات حقوقی عمیق تکمیل شود. اطلاعات حقوقی باعث میشود که وکیل را قادر سازد که دعاوی و پرونده ها و مسایل قضایی را در سطح بالاتر و عمومی تر مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهد. (محمودی، ۱۳۹۰)

صداقت

صداقت علاوه بر اینکه یک ویژگی انسانی برای همه افراد است، یکی از ابزارهای موفقیت و وسیله جلب اعتماد موکلین می باشد. حقوقی که موکل در هر پرونده ای دارد باید با صداقت بیان شود و قانون و مقرراتی که هر چند به ضرر موکل می باشد و ممکن است موجب ناراحتی موکل شود باید با صداقت بیان شود و کتمان کردن موضوعی از موکل باعث سلب اعتماد موکل خواهد شد پس صداقت نیز از شاخصه اهای وکیل خوب در اخلاق حرفه ای می باشد. وکیل دادگستری باید خلق ملایم داشته باشد. مهمترین صفتی که از نظر اخلاقی به منزله روح شغل وکالت تلقی میشود، شرافت و درستی عمل وکیل است. وکیل دادگستری باید کاملاً شرافتمند بوده و مظهر درستی و تقوی باشد تا بتواند احترام لباسی را که میپوشد و سوگندی را که میخورد محفوظ دارد. وکیل دادگستری فقط و فقط بر اثر جلب اعتماد موکلین و وکلای طرف و قضات است که میتواند موقعیت خود را در جامعه محفوظ و مستقر کند (شقاقی، ۱۳۹۰)

قدرت کار

وکالت دادگستری برخلاف بسیاری از مشاغل دیگر مستلزم قدرت و کار زیاد میباشد و همچنین علاوه بر قدرت و کار زیاد باید از لحاظ جسمی نیز قدرت مقاومت و توانایی بسیار داشته باشد لذا باید سلامت جسمی خود را حفظ نموده تا توانایی شرکت‌در کلیه مراحل دادرسی را داشته باشد تا وقتی به ساحل موفقیت می‌رسد به دلیل پیری زودرس برکنار نشود زیرا نمی توان زمان را ازحرکت باز داشت و بلکه باید خود را برای استفاده از زمان طولانی حفظ وحراست کرد بنابراین قدرت کار که در واقع توانایی روحی و جسمی افراد می باشد لازم و ضروری به نظر می رسد.

حافظ اسرار

وکیل دادگستری باید ابتدا شغل خود را خوب شناخته و به نظامات مربوط به آن کاملاً آگاه باشد. و در جهت رشد شغل حرفه ای خود اخلاق حرفه ای را شناخته و به آن عمل کند. سرّ یا اسرار در قوانین تعریف نشده و در قوانین موجود تعریفی از سر یا اسرار بعمل نیامده است و حتی در آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا نیز که برای افشا اسرار به شرح بند ۲ ماده ۸۱ و بند ۵ ماده ۷۶ همان قانون مجازات ممنوعیت از سه ماه تا سه سال از حرفه وکالت را مقرر داشته است، تعریفی از سرّ یا اسرار بدست نداده است. در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فرهنگ لغت سر به معنای راز، امر پوشیده و نهفته (عمید، ۱۳۸۹) همچنین به معنای کار پوشیده و مخفی (معین، ۱۳۸۷) آمده است. سر چیزی است که حق آن را پنهان کرده است و مردم را بدان دسترسی نیست.» مرحوم دکتر محمود سرشار به شرح زیر گزارش خود از کنگره بین المللی وکلای دادگستری روی هم تحت عنوان کد اخلاقی وکلا طرح پیشنهادی یکی از وکلای دادگستری مکزیک به کنگره مذکور را ترجمه و در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ آورده شده است: ماده ده کنگره بین المللی وکلای دادگستری آمده است که حفظ اسرار مربوط به شغل وکالت یکی از تکالیف و حقوق وکلای دادگستری است. اطلاق لفظ تکلیف در حفظ اسرار از لحاظ حقوق موکل است که باید رعایت این وصف از سایر اوصاف مختصه به این شغل تجاوز نکند ولی در رعایت و توجه به این اصل از نظر قضات و مقام قضا کلمه حق به آن اطلاق خواهدشد، زیرا وکیل دادگستری میتواند اسراری را که مجبور به افشای آن باشد قبول نکند. هرگاه وکیل بعنوان ادای شهادت در دادگاهی دعوت شود، میتواند با کمال استقلال و آزادی تمام از پاسخ هر سوالی که منتهی به افشای اسرار شغلی او شود امتناع کند. همچنین ماده یازده کنگره مذکور بیان می دارد: وظیفه حفظ اسرار شغل وکالت نیز متضمن اسراری است که از طرف اشخاص ثالث به مناسبت شغل وکالت به شخص وکیل داده شده است و نیز وکیل باید در حفظ اسراری که در نتیجه مذاکرات جهت بستن قرارداد با وکیل ایجاد شده ولی صورت عمل بخود نگرفته است و همچنین اسراری که از طرف وکلا به شخص او داده شده است کوشا بوده و در مقام حفظ آن برآید. وکیل نباید هیچ گونه دعوایی را که در بعضی از قسمتها با اسراری که در انجام شغل وکالت از موکل به دست آورده، ارتباط دارد، بدون جلب رضایت او قبول کند و در ماده دوازده نیز آمده است: « اگر موکلی وکیل خود را متهم به ارتکاب جرایم کند وکیل مزبور حق دارد حقایق را به درجه و میزان تهمتی که به او استناد شده است بیان و اظهار کند و حتی در چنین مواردی وکیل میتواند اسراری را که از طرف موکل به او داده شده است، آشکار سازد». اگر موکل وکیل را از قصد خود به ارتکاب جرمی مطلع کند، وکیل الزامی به حفظ چنین سری نداشته و باید فوراً افشا کند زیرا هم کمک و معاونت به ارتکاب جرم مزبور نکرده و هم اشخاصی را که در معرض مخاطره بوده‌اند حفظ کرده و از ضرر و زیان حاصله از جرم نجات داده است. در قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری اخیرالتصویب قانونگزار به نحوی وارد این مبحث و وظیفه و تکالیف وکلا شده و مقرراتی را وضع کرده است. در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: « اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار میشوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند. » همچنین قانون گزار در ماده ۱۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری اخیر التصویب مقرر داشته است که: هرگاه متهم نوشته های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، قاضی می تواند آنها را برحسب مورد در حضور وکیل یا آن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شخص بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارائه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهدشد. (شقاقی، ۱۳۹۰)

حرفه وکالت زیر ذره‌بین دقیق اجتماعی است بنابراین وکلا باید با رعایت اخلاق در رفتار و اعمال خود آنچنان باشند که نام نیک حرفه خود را پاس دارند و از راه راست شرافت خارج نشوند که ضمانت سوگند خود نموده اند ا اخلاق حرفه ای مثل وسیله دولت به است که یک دفعه قبل برای موکل و دیگری تکلیف برای وکیل است و با رعایت اخلاق حرفه ای نسبت به مکه ضمن عنایت راسخ به عدالت محوری و قانون‌گذاری حداکثر توان علمی خود را در پرونده موکل مصروف دارد در صورتی که وکیل اخلاق حرفه ای خود را برای شهروندان رعایت نکند خواه و ناخواه باعث کم شدن احترام و بی اعتباری می‌شود. (حاتمیان، ۱۳۹۳) وکیل نبایستی نظری به عقاید شخصی و درجه تقصیر متهمینی که دفاع آنها را عهده‌دار شده داشته باشد و اینکه مظلوم است با هرگونه وسایل قانونی برای دفاع از حقوق موکل خود مبادرت کند وکیل نباید به هیچ وجه مندرجات پرونده وکالت خود را که منتهی به صدور حکم نشده است طبع و نشر نموده یا در مطبوعات در ارتباط با جریان پرونده مربوطه بحث و اظهار نظر کند وکیل موظف است که خدماتش را نسبت به وکیلش برابر موازین قانونی منع موثر و منجر به نتیجه گردد وکیل نباید موکل خود را مطمئن کند که در واقع محققا پیشرفت دارد زیرا موارد گوناگون امکان دارد که در جریان دادرسی ظهور کند و در تصمیم‌گیری نسبت به آن دعوا موثر واقع نشود (سرشار، ۱۳۲۷)

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز به روشنی می توان مدعی بود که اخلاق حرفه ای و ضرورت آن به مثابه ی یک حق نمودار می گردد. حقی برای موکل که باید در ارتباط خویش با وکیل از آن برخوردار بوده و به واقع، وکیل، آن را در مراوده با موکلش رعایت نماید. به علاوه، روی دیگر آن به شکل تکلیفی نمودار می‌گردد که وکیل چون در جامه حرفه وکالت ظاهر می‌گردد ناگزیر به رعایت آن است. به واقع، اخلاق حرفه ای شبیه وسیله ای دو لبه است که یک لبه آن حق و لبه دیگر آن تکلیف است. حقی برای موکل و تکلیفی برای وکیل. اما به واقع زمانی می‌توان در عالم عمل شاهر این مقوله باشیم که لوازم تحقق آن نیز فراهم باشد. باید بسترهای لازم برای تحقق بایسته های اخلاق حرفه ای فراهم باشد تا بتوان هم بر چهره تکلیف وکیل رنگ و لعاب روشنی بخشید و هم حق موکل را برای وکیل نمایان ساخت. با این حال، گرچه وکیل در رابطه با موکلش وظیفه دارد تا موازین اخلاقی را رعایت نماید، خود باید در مقابل اخلاق حرفه ای وکالت مورد حمایت قرار گیرد. نباید اخلاق حرفه ای چندان وسیع تعریف گردد که تمامی زوایای زندگی وکیل را دربر گیرد و وی را از حقوق و آزادی های اش محروم سازد. زیرا در این صورت و به واقع در این تعارض، اساساً غلبه با توجه وکیل به حقوق و آزادی های خود بوده و رعایت اخلاق حرفه ای در وهله دوم قرار می‌گیرد. چنین وضعیتی منجر به فنای اخلاق حرفه ای و بی نظمی در جامعه وکلا می‌گردد. بر این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اساس، اخلاق حرفه ای از دامنه ای برخوردار است که ناقض حقوق و آزادی های وکیل نباشد. گستره آن تا جایی است که حقوق و آزادی های شهروندی وکیل را تحت شعاع خود قرار ندهد. (ساعد، ۱۳۹۰) وکیل باید یکسری ویژگی هایی داشته باشد که می بایست آنها را در اخلاق حرفه ای خود به کار گیرد نظیر: استعداد طبیعی و ذاتی، داشتن ظاهری مناسب در شان، شرایط اخلاقی و فطری، سعی در صلح و سازش، اطلاعات عمومی و حقوقی، قدرت کار، ایجاد روابط دوستی و آشنائی، عشق و علاقه به شغل وکالت، و. . . . همچنین یک وکیل باید وعده های بی پشتوانه، زیرکی و ریا کاری را از خود دور کند. زیرا سر انجام افشا می شود اما شرافت، صداقت، صراحت، دانش، مهربانی و ادب موجب کسب حیثیت معنوی و حرفه ای و احترام و اعتماد واقعی خواهند بود. رفتار وکیل باید بازتاب اعتبار حرفه حقوقی و ممد اعتبار و احترام و اعتماد موکلین و جامعه باشد و نیز از هرگونه رفتار دور از شان پرهیز کند. یک وکیل باید همیشه نظامات و قوانین را محترم بشمارد و جزء عدالت و احقاق حق مقصودی نداشته باشد و بر خلاف شرافت قضاوت و وکالت، احترام و اظهاری نکند و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را کرده و از اعمال نظریات سیلسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جوئی احتراز کرده و در امور شخصی و کارهائی که از طرف اشخاص انجام می دهد راستی و درستی را رویه خود قرار داده مدافع حق باشد. امروزه می توان مدعی شد که اخلاق حرفه ای و ضرورت آن به مثابه یک حق نمودار می گردد. حقی برای موکل که باید در ارتباط خویش با وکیل از آن برخوردار بوده و به واقع، وکیل آن را در مراوده با موکلش رعایت نماید. اخلاق حرفه ای و ضرورت رعایت آن، به عنوان یک حق شهروندی نمودار می شود. حقی برای موکل، که باید در ارتباط خویش با وکیل، از آن برخوردار بوده و وکیل آن را در ارتباط با موکلش، رعایت نماید. این فرایند به شکل تکلیفی نمودار می شود که وکیل چون در جامه حرفه وکالت ظاهر می شود، ناگزیر به رعایت آن است. درواقع، اخلاق حرفه ای، شامل دسته ای حق و گروهی از تکلیف است. (توسلی فارفانی، اسداللهی، ۱۳۹۳)

پیشنهادات

لذا ضروری است قوانین و مقررات وکالت به کارآموزان تدریس و امتحان گرفته شود. امروز در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا، کانونهای وکلا برای جوانانی که شروع به کار می کنند مقرراتی وضع و آنان را چه در دوره کارآموزی و یا بعد آن، با رعایت این مقررات با نظامات مربوط به شغل خود آشنا می‌کنند. این مقررات شامل یک رشته تعلیمات مخصوصی است که تنها آزمایش عملی و کیل در دفاع نبوده و بیشتر از نظر موضوع ی مربوط به نظامات شغل وکالت است. در جهت طی همین طریق مهم است که کانون وکلای دادگستری مرکز نیز به همت دادسرای انتظامی کانون تصمیم گرفته است با انجام یک رشته سخنرانی های کوتاه، همکاران عزیز و کارآموزان محترم را با نظامات مربوط به حرفه وکالت هرچند اندک آشنا کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ برلیت، آیزایا. (۱۳۸۷). آزادی و خیانت بر آزادی تهران: ماهی

ـ بهرامی، حسین. و میرطاهری، لیلا. (۱۳۹۵). اخلاق حرفه ای: تهران: ادیبان روز

ـ توسلی فارفانی، رضا. و اسداللهی، رضا. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای در وکالت و ارتباط آن با حقوق شهروندی، (اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه وحقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد میبد

ـ خداداد بناب، رسول. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای وکالت و حقوق شهروندی، ، (اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه وحقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد میبد

ـ دوانی، جلال الدین. (۱۳۹۳). اخلاق جلالی، تهران: نشر اطلاعات

ـ دهقان، سعید. و صادقیان، آرش. و حیدری، لیلا و ضمیری، محمد رضا. . (۱۳۸۸). ما و ما گذری بر حقوق و اخلاق شهروندی، تهران، موسسه دین پژوهی بشرا

ـ رستمی، مرجان. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای و رابطه آن با حقوق شهروندی، (اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه وحقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد میبد

ـ زاگال، هکتور. و گالیندو، خوزه. (۱۳۸۶). فلسفه اخلاق چیست داوری اخلاقی: تهران: حکمت

ـ ساعد، محمد جعفر. (۱۳۹۰). اخلاق حرفه ای وکالت و رابطه آن با حقوق شهروندی. ماهنامه مدرسه حقوق کانون وکلای اصفهان، شماره ۶۳، ۸۷-۷۸

ـ سرشار، محمود. (۱۳۲۷). مجموعه مقالات اخلاقی، تهران: مجله کانون وکلا، ۱۹-۱۳

ـ سید فاطمی، . (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر: تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

ـ شقاقی، بیژن. (۱۳۸۲). اخلاق حرفه ای / حفظ اسرار. کانون وکلا، شماره ۱۸۰ و ۱۸۱، ۲۶۰-۲۶۶

ـ طبا طبا ئی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان: قم:جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

ـ عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی: تهران: صدای معاصر

ـ غضنفری، علی اکبر. (۱۳۹۰). درآمدی براخلاق حرفه ای وکالت. مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲، ۵۶-۵۲

ـ کشاورز، بهمن. (۱۳۸۰). وکیل دادگستری و اخلاق حرفه ای: تهران: کشاورز

ـ محمودی، اشرف. (۱۳۹۰). اخلاق حرفهای در وکالت. مجله کانون، شماره ۲۱۲، ۱۱۵-۹۵

ـ معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی: تهران: سرایش

ـ مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن (جلد اول):قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

ـ منفردی، آذین. و حسینی، سید حسین. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه ای وکالت و حقوق شهروندان، (اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه وحقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی یزد واحد میبد

ـ وکیلی، افشین (۱۳۹۱). اخلاق آکادمیک: نشریه موج، سال چهارم، شماره ۵، ۱۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]